

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

---

تقدیم به ساحت مقدس حضرت محمد ﷺ، پیامبر نور و رحمت

و

تقدیم به ساحت نورانی قرآن کریم،

آخرین کتاب آسمانی و کتاب جامع هدایت انسانها

---

۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری  
و  
ریشه‌شناسی لغات قرآن کریم

مؤلف:

دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی  
استادیار دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



دانشگاه امام صادق

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)  
تهران: بزرگراه شهید چمران،  
پل مدیریت  
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵  
E-mail: isu.press@yahoo.com  
فروشگاه اینترنتی:  
www.ketabesadiq.ir

۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری و ریشه‌شناسی لغات قرآن کریم ■ تألیف: دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی  
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۳ ■ قیمت: ۴۳۰۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸۶۰۰۲۱۳۴۰۶۵

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه، ۱۳۴۲ -  
عنوان و نام پدیدآور: ۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری و ریشه‌شناسی لغات  
قرآن کریم / فائزه عظیم‌زاده اردبیلی.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۹۲۰ ص.  
فروست: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۶۲۴: مطالعات قرآن و حدیث؛ ۳۴.  
شابک: ۴۳۰۰۰۰ ریال : ۵-۴۰۶-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۲۱۳۴۰۶۵  
موضوع: تفاسیر شیعه - پرسش‌ها و پاسخ‌ها  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ هـ. ۹۸ / ۶۵ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۱۷۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۰۵۸۰۵

## فهرست مطالب

۹	..... سخن ناشران
۱۱	..... مقدمه مؤلف
۱۵	..... بخش نخست: ۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری قرآن کریم
۱۷	..... ۱ / سوره حمد
۲۰	..... ۲ / سوره بقره
۳۷	..... ۳ / سوره آل عمران
۴۲	..... ۴ / سوره نساء
۵۴	..... ۵ / سوره مائده
۷۰	..... ۶ / سوره انعام
۸۱	..... ۷ / سوره اعراف
۹۱	..... ۸ / سوره انفال
۹۷	..... ۹ / سوره توبه
۱۰۴	..... ۱۰ / سوره یونس
۱۱۴	..... ۱۱ / سوره هود
۱۱۹	..... ۱۲ / سوره یوسف
۱۲۸	..... ۱۳ / سوره زعد
۱۳۵	..... ۱۴ / سوره ابراهیم
۱۴۲	..... ۱۵ / سوره حجر
۱۴۸	..... ۱۶ / سوره نحل
۱۵۵	..... ۱۷ / سوره اسری
۱۶۱	..... ۱۸ / سوره کهف
۱۶۳	..... ۱۹ / سوره مریم
۱۸۸	..... ۲۰ / سوره طه
۲۰۷	..... ۲۱ / سوره انبیا
۲۱۵	..... ۲۲ / سوره حج

۲۳۳.....	سوره مؤمنون / ۲۳
۲۵۷.....	سوره نور / ۲۴
۳۰۳.....	سوره فرقان / ۲۵
۳۱۴.....	سوره شعراء / ۲۶
۳۲۳.....	سوره نمل / ۲۷
۳۳۵.....	سوره قصص / ۲۸
۳۴۶.....	سوره عنکبوت / ۲۹
۳۵۵.....	سوره روم / ۳۰
۳۵۸.....	سوره لقمان / ۳۱
۳۶۸.....	سوره سجده / ۳۲
۳۷۴.....	سوره احزاب / ۳۳
۳۷۹.....	سوره سبأ / ۳۴
۳۸۳.....	سوره فاطر / ۳۵
۳۸۶.....	سوره یس / ۳۶
۳۹۱.....	سوره صافات / ۳۷
۳۹۳.....	سوره ص / ۳۸
۳۹۸.....	سوره زمر / ۳۹
۴۰۲.....	سوره غافر / ۴۰
۴۰۷.....	سوره فصلت / ۴۱
۴۱۲.....	سوره شوری / ۴۲
۴۱۷.....	سوره زخرف / ۴۳
۴۲۷.....	سوره دخان / ۴۴
۴۳۳.....	سوره جاثیه / ۴۵
۴۳۹.....	سوره احقاف / ۴۶
۴۴۶.....	سوره محمد / ۴۷
۴۵۶.....	سوره فتح / ۴۸
۴۵۹.....	سوره حجرات / ۴۹
۴۶۲.....	سوره ق / ۵۰
۴۶۵.....	سوره ذاریات / ۵۱
۴۶۸.....	سوره طور / ۵۲
۴۷۰.....	سوره نجم / ۵۳
۴۷۳.....	سوره قمر / ۵۴

فهرست مطالب □ ۷

۴۷۶.....	۵۵ / سوره الرحمن.....
۴۷۹.....	۵۶ / سوره واقعه.....
۴۸۱.....	۵۷ / سوره حدید.....
۴۸۴.....	۵۸ / سوره مجادلہ.....
۴۸۶.....	۵۹ / سوره حشر.....
۴۹۰.....	۶۰ / سوره ممتحنہ.....
۴۹۲.....	۶۱ / سوره صف.....
۴۹۴.....	۶۲ / سوره جمعہ.....
۴۹۵.....	۶۳ / سوره منافقون.....
۴۹۷.....	۶۴ / سوره تغابن.....
۴۹۹.....	۶۵ / سوره طلاق.....
۵۰۱.....	۶۶ / سوره تحریم.....
۵۰۳.....	۶۷ / سوره ملک.....
۵۰۵.....	۶۸ / سوره قلم.....
۵۰۷.....	۶۹ / سوره حاقہ.....
۵۰۹.....	۷۰ / سوره معارج.....
۵۱۱.....	۷۱ / سوره نوح.....
۵۱۳.....	۷۲ / سوره جن.....
۵۱۵.....	۷۳ / سوره مزمل.....
۵۱۷.....	۷۴ / سوره مدثر.....
۵۱۸.....	۷۵ / سوره قیامت.....
۵۲۰.....	۷۶ / سوره انسان.....
۵۲۲.....	۷۷ / سوره مرسلات.....
۵۲۴.....	۷۸ / سوره نبأ.....
۵۲۶.....	۷۹ / سوره نازعات.....
۵۲۸.....	۸۰ / سوره عبس.....
۵۳۰.....	۸۱ / سوره تکویر.....
۵۳۲.....	۸۲ / سوره انفطار.....
۵۳۴.....	۸۳ / سوره مطففین.....
۵۳۶.....	۸۴ / سوره انشقاق.....
۵۳۷.....	۸۵ / سوره بروج.....
۵۳۸.....	۸۶ / سوره طارق.....

۵۳۹.....	۸۷ / سوره اعلیٰ .....
۵۴۱.....	۸۸ / سوره غاشیہ .....
۵۴۲.....	۸۹ / سوره فجر .....
۵۴۴.....	۹۰ / سوره بلد .....
۵۴۶.....	۹۱ / سوره شمس .....
۵۴۷.....	۹۲ / سوره لیل .....
۵۴۹.....	۹۳ / سوره ضحیٰ .....
۵۵۰.....	۹۴ / سوره انشراح .....
۵۵۱.....	۹۵ / سوره تین .....
۵۵۲.....	۹۶ / سوره علق .....
۵۵۳.....	۹۷ / سوره قدر .....
۵۵۴.....	۹۸ / سوره بینه .....
۵۵۵.....	۹۹ / سوره زلزال .....
۵۵۷.....	۱۰۰ / سوره عادیات .....
۵۵۸.....	۱۰۱ / سوره قارعه .....
۵۶۰.....	۱۰۲ / سوره تکاثر .....
۵۶۲.....	۱۰۳ / سوره عصر .....
۵۶۳.....	۱۰۴ / سوره همزه .....
۵۶۵.....	۱۰۵ / سوره فیل .....
۵۶۷.....	۱۰۶ / سوره قریش .....
۵۶۸.....	۱۰۷ / سوره ماعون .....
۵۷۰.....	۱۰۸ / سوره کوثر .....
۵۷۲.....	۱۰۹ / سوره کافرون .....
۵۷۴.....	۱۱۰ / سوره نصر .....
۵۷۶.....	۱۱۱ / سوره تبت .....
۵۷۸.....	۱۱۲ / سوره اخلاص .....
۵۸۰.....	۱۱۳ / سوره فلق .....
۵۸۳.....	۱۱۴ / سوره ناس .....
۵۸۵.....	بخش دوم: ریشه‌شناسی لغات ۳۰ جزء قرآن کریم.....
۸۹۳.....	منابع و مأخذ.....
۸۹۵.....	فهرست الآیات.....
۹۱۱.....	نمایه.....



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا  
عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ  
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»  
(قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۶۴)

## سخن ناشران

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احدیت را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پر عظمت خویش قرار داد، همو که در این آیه شریفه بر مؤمنین منت نهاد آنگاه که از خودشان رسولی را برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به راستی مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت در نزد خدا جایگاهی قرار دارد که احدیت به واسطه اعطاء آن به آدمی بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی‌دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می‌تازند و به جهت اراده استوار خویش اندیشه‌ها را به تکاپو و قلم‌ها را به حرکت وا می‌دارند (رئیس محترم دانشگاه امام صادق علیه السلام آیت الله مهدوی کنی).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه‌دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه‌های خویش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد، چرا که علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق علیه السلام (پردیس خواهران) طی سالیان گذشته افتخار این را داشته که در این راستا گام‌هایی برداشته و افق بلندی را در چشم‌انداز علمی خود پیش رو دارد که البته برخی فعالیت‌ها به صورت راهبردی یعنی

درازمدت و برخی فعالیت‌ها به صورت میان مدت و کوتاه مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در رسیدن به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌هایی علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام‌هایی را بردارد؛ و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به عنوان سازمانی دانش بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازسنجی و پاسخ‌گویی به مطالبات به پژوهش‌های علمی خود به ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ‌شده بوده است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت می‌نمایم.

معاونت پژوهشی دانشگاه

اداره کل پژوهش،  
حوزه معاونت پژوهشی و فناوری  
پردیس خاوران

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»

و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم (نحل، ۸۹)

### مقدمه مؤلف

قرآن کریم، ریسمان استوار و دستاویز محکمی است که خداوند به بندگانش هدیه داده است و بنابر سفارش رسول اکرم ﷺ، در کنار عترت، می‌بایست به آن تمسک ورزید. قرآن، تنها کتاب آسمانی است که از تحریف مصون مانده و یگانه کلامی است که بر بلندای قله فصاحت، هدایت و رستگاری را نوید داده (اسراء، ۲) و رمز و راز مکنونم عالم را باز می‌گوید. در دین مبین اسلام، قرآن به عنوان مطمئن‌ترین راه انس با حضرت حق تعریف شده است و لازم می‌باشد که افراد با خواندن این کتاب آسمانی هرچه بیشتر با آن مانوس گردند زیرا حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ». به همین جهت و در راستای تمسک به فرمایش نبی مکرم اسلام بر همگان لازم است که به این عبادت برتر روی آورده و سزاوار است خواندن قرآن را یاد بگیریم و به دیگران نیز یاد دهیم.

قرآن کریم بر این حقیقت تأکید دارد که این کتاب تنها برای تلاوت نیست؛ بلکه هدف نهایی از آن ذکر و تدبّر و انذار است و در آیه ۲۹ سوره ص می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ»: این کتابی که بر تو نازل کردیم کتاب مبارکی است تا مؤمنان در آیاتش تدبّر کنند.

و در آیه دیگر می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم، ۱). این کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به وسیله آن از ظلمت‌ها به سوی نور خارج نمایی.

به این ترتیب باید قرآن در متن زندگی مسلمانان قرار گیرد و آن را در برنامه

خویش قرار دهند و دستوراتش را عمل کنند. از آنجایی که تدبر در مفاهیم قرآنی برای همه افراد میسر نمی‌باشد، کتاب ۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری قرآن کریم تدوین و تالیف گردید و در آن به معرفی اجمالی سوره‌های قرآن کریم پرداخته شد و نکات مهمی از تفاسیر به صورت پرسش و پاسخ بیان گردیده است با این هدف که کلیه دانشجویان، طلاب و همه افرادی که آشنایی کامل با زبان قرآن را ندارند، بتوانند با مطالعه این اثر با مفاهیم اولیه قرآنی آشنا و به معرفت الهی نائل شوند و به تعمیق مبانی اعتقادی و ایجاد زمینه تعالی اخلاقی و معنوی و ایجاد توان پاسخ‌گویی به سؤالات رایج و مورد نیاز جامعه، در زمینه تفسیر و علوم قرآنی دست یابند. این اثر بیش از ۱۰ سال به طول انجامید و در گام‌های اولیه افرادی در تدوین مباحث وارد کمیته علمی این اثر شدند و همکاری نمودند و لیکن ساختار اثر پس از اخذ نظرات ارزیابان محترم تا حد زیادی تغییر کرد ولیکن جا دارد در اینجا از زحمات آنان (خانم‌ها دکتر بی‌بی سادات رضی، دکتر اعظم پویا زاده) تشکر و تقدیر گردد. لازم به ذکر است که طرح تدوین این اثر پس در شورای پژوهش دانشگاه مطرح و تغییرات بنیادی حاصل نمود و آنچه هم اینک ملاحظه می‌شود حاصل تلاش‌های ۱۰ ساله اینجانب در دریافت نیازهای جوانان از مفاهیم قرآن کریم است که سعی شده به زبان بسیار ساده و روان جهت آن دسته از افراد جامعه که مایل به فهم ساده مفاهیم قرآن هستند تهیه گردیده است. هر چند اذعان دارم شیوه گردآوری خالی از اشکال نیست؛ کتاب ۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری حاوی ۲ بخش عمده می‌باشد در بخش نخست به ترتیب هر سوره دارای معرفی اجمالی است و پرسش‌هایی که آورده شده مبتنی بر نیاز جوانان و بر اساس شناخت آنان از قرآن کریم مطرح و سعی شده با پاسخی روان و ساده مفاهیم مندرج در درون آیات کریمه واکاوی شود در مجموع ۸۰۰ پرسش می‌باشد. در این اثر کلیه پرسش‌ها صرفاً از کتب تفسیری ۳ مفسر استخراج و تنظیم گردید تا نگاهی اجمالی و همگون در پاسخ پرسش‌ها تهیه شود تعداد پرسش‌های استخراج شده از یک جز بر اساس نیازهای نسل جوان است که دریافت نمودیم و پاسخ دادیم. بخش دوم این کتاب حاوی ریشه‌شناسی کل واژگان (مفردات قرآنی) است که بصورت ترتیبی و از فرهنگ‌های اصیل مفردات قرآنی استخراج و سپس معنای مورد نظر آن واژه در سوره در نظر گرفته شده است. سه تفسیر المیزان علامه طباطبائی و تفسیر منهج الصادقین ملا فتح الله کاشانی و تفسیر

ابوالفتوح رازی در تمامی پرسش‌ها مرجع استخراج نکات تفسیری بوده‌اند. جا دارد در انتهای این اثر از همه عزیزانی که ما را در تدوین و تألیف و ساماندهی مطالب یاری نمودند به ویژه خانم‌ها زهرا عزیز پوریان، زینب خوشنویسان، سارا خاکپور که در گردآوری برخی مباحث و خانم‌ها فائزه طوقانی پور، اکرم محمدی آرانی که در بازنگری و بازخوانی اثر مساعدت نمودند تشکر و تقدیر نمایم. همچنین از مساعدت‌های بی‌شائبه ریاست محترم پردیس خواهران سرکار حاجیه خانم مهدوی کنی در اهمیت بخشیدن و پیگیری مستمر در خصوص چاپ این کتاب توسط انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام خالصانه تشکر نموده و اجری جزیل از درگاه احدیت برایشان خواستارم. دریافت نظرات اندیشمندان قرآن‌پژوهان و فرهیختگان در بهبود بخشی ساختار و مفاد این کتاب مزید امتنان است. *اللهم اجعل القرآن فی الدنيا قرینا و فی القبر مونسنا و فی القیامه شفیعنا و علی الصراط نورا و فی الجنة رفیقنا و من النار سترنا و حجایا. آمین رب العالمین*

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی

۲۱ مهرماه ۱۳۹۳ مصادف با عید غدیر خم ۱۴۳۴ هجری



بخش تحت:

۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری قرآن کریم







## سوره حمد

### معرفی اجمالی سوره:

این سوره، مکی و شامل ۷ آیه است. این سوره از نظر لحن و آهنگ، با سوره‌های دیگر قرآن فرق روشنی دارد؛ سوره‌های دیگر غالباً سخن با بندگان است، اما این سوره از زبان بندگان خطاب به خداوند است. به تعبیر دیگر، خداوند در این سوره طرز مناجات و سخن گفتن با خود را به بندگانش می‌آموزد.

سوره حمد، اساس قرآن است؛ جابر بن عبدالله انصاری خدمت پیامبر ﷺ رسید؛ پیامبر ﷺ به او فرمود: **أَلَا أَعْمَلُكَ أَفْضَلَ سُوْرَةِ أَنْزَلَهَا اللهُ فِي كِتَابِهِ؟ فَقَالَ لَهُ جَابِرُ: بَلَى يَا بَنِي أُمَّتٍ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللهِ، عَلَّمْنِيهَا. فَعَلَّمَهُ الْحَمْدَ، أَمِ الْكِتَابِ؛** «آیا برترین سوره‌ای را که خدا در کتابش نازل کرده، به تو تعلیم بکنم؟ جابر عرض کرد: آری پدر و مادرم به فدایت باد، به من تعلیم کن، پیامبر ﷺ سوره حمد را که ام‌الکتاب است، به او آموخت.» سپس اضافه فرمود: «این سوره، شفای هر دردی، جز مرگ است.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: **رَتَّ ابْلِيسُ أَرْبَعَ رَنَاتٍ أَوْلَهْنَ يَوْمَ لَعْنِ، وَ حِينَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ، وَ حِينَ بَعَثَ مُحَمَّدٌ ﷺ حِينَ فِتْرَةِ مِنَ الرَّسْلِ، وَ حِينَ أَنْزَلَتْ أُمُّ الْكِتَابِ؛** «شیطان چهار بار فریاد کشید و ناله سر داد: نخستین بار روزی که از درگاه خدا رانده شد، سپس هنگامی که از بهشت به زمین تنزل یافت، سومین بار هنگام بعثت محمد ﷺ بعد از فترت پیامبران و آخرین بار زمانی که سوره حمد نازل شد.»

﴿ ۱ - صراط مستقیم در آیه ۶ سوره حمد چگونه صراطی می‌باشد؟

۱- صراط مستقیم، همان آیین خداپرستی، پایبندی به دین حق و فرمان‌های خداست که شامل هر دو جنبه عقیدتی و عملی می‌باشد. به همین دلیل نزدیک‌ترین راه ارتباط با

خدا همان صراط مستقیم است. صراط مستقیم یا راه راست، راه عدل و داد، راه ایمان و عمل صالح است (طباطبائی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۵؛ کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۱، ص ۴۶؛ رازی، بی تا، ج ۱، ص ۸۴). خدای تعالی صراط را به وصف استقامت توصیف کرده و آن‌گاه بیان فرموده است صراط مستقیم را کسانی می‌پیمایند که خدا بر آنان انعام کرده است. صراط مستقیم، صراط غیر گمراهان است. صراطی است که به هیچ وجه شرک و ظلم در آن راه ندارد. ضلالت نیز در آن راه نمی‌یابد، نه ضلالت باطنی و قلبی، مانند کفر که خدا از آن راضی نیست، و نه ضلالت ظاهری و اندامی بدن، چون معصیت و قصور در اطاعت. هیچ‌یک از این‌ها در آن صراط مستقیم راه ندارد و این توحید عملی و علمی است.

## ۲- در تفاسیر مختلف، صراط مستقیم را به چه معانی تفسیر کرده‌اند؟

صراط مستقیم را چند گونه معنا کرده‌اند:

۱- «کتاب خدا، قرآن» این معنا از پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام و ابن مسعود نقل شده است.

۲- «اسلام» از جابر و ابن عباس نقل شده است.

۳- «دینی که جز آن پذیرفته نیست.» چنان‌که محمد بن حنفیه گفته است: «صراط مستقیم» دینی است که خدا غیر آن را از بندگان نمی‌پذیرد.

۴- «پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام که این معنی در روایات متعدد وارد شده است. حق این است که صراط مستقیم، معنایی عام و وسیع دارد که شامل همه موارد مذکور می‌شود؛ دینی که خدا به آن امر کرده است، و اصول آن اعم از توحید، عدل و ولایت آنان که اطاعتشان واجب است، مصداق آن شمرده می‌شود (رازی، بی تا، ج ۱، ص ۸۵؛ طباطبائی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۵ - ۶۲). از این رو می‌گوییم: خدایا بنما به ما راه راست را، که واسطه رسیدن به بهشت و روضه رضوان است؛ یعنی توفیق ده ما را در طاعات و عبادات، تا به وسیله آن به سعادت اخروی رسیم. گویند که چون اصل هدایت حاصل است مراحل ایمان را، پس مقصود از طلب هدایت، اثبات است بر ایمان یا توفیق طاعت یا حصول ثبوتات بر آن. از حضرت علی علیه السلام روایت است که معنی آیه، آن است که ما را به راه راستی که نموده‌ای، ثابت قدم دار تا دایم مطیع تو باشیم در اوامر و نواهی، و یک لحظه بر پرستش غیر تو نپردازیم.

غره محدث حنبلی از اسلمی، صحابی پیامبر ﷺ نقل کرده است که صراط مستقیم  
طریقه محمد و آل محمد است که مبتنی بر اصول دین، یعنی توحید، عدل، نبوت،  
امامت و معاد است. شکی نیست که طریق اهل بیت، صراط مستقیم است و سلوک  
کردن در آن، موجب نجات و رستگاری است (همان، ص ۸۴؛ همان، ص ۴۵؛ کاشانی،  
۱۴۰۲ هـ ج ۱، ص ۴۵).

## سوره بقره

### معرفی اجمالی سوره:

- این سوره، مدنی و شامل ۲۸۶ آیه است. غرض از سوره بقره عبارت است از:
- ۱- توحید و شناسایی خدا از طریق مطالعه اسرار آفرینش.
  - ۲- معاد و زندگی پس از مرگ، با ذکر مثال‌های واقعی، مانند داستان ابراهیم و زنده‌شدن مرغ‌ها و داستان عزیز.
  - ۳- اعجاز قرآن و اهمیت این کتاب آسمانی.
  - ۴- ماجرای یهود، منافقان و موضع‌گیری‌های آن‌ها در برابر اسلام و قرآن و انواع کارشکنی‌های آنان در این زمینه.
  - ۵- تاریخ پیامبران بزرگ، مخصوصاً ابراهیم و موسی علیهم‌السلام.
  - ۶- احکام مختلف اسلامی از جمله نماز، روزه، جهاد در راه خدا، حج و تغییر قبله، ازدواج و طلاق، تجارت و دین، ربا، انفاق در راه خدا، قصاص، تحریم قسمتی از گوشت‌های حرام، قمار، شراب، بخشی از احکام وصیت و مانند آن. نام‌گذاری این سوره بر اساس داستان گاو بنی‌اسرائیل است که شرح آن در آیات ۶۷ تا ۷۳ خواهد آمد.
- در فضیلت این سوره، روایات مهمی در منابع اسلامی نقل شده است:
- از جمله مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که پرسیدند: **أَيُّ سُوْرَةِ الْقُرْآنِ أَفْضَلُ؟** فرمود: **البقره؛ پرسیدند: أَيُّ آيَةِ الْبَقْرَةِ أَفْضَلُ؟** فرمود: **آيَةُ الْكُرْسِيِّ.**
- «کدام یک از سوره‌های قرآن از همه برتر است؟ فرمود: سوره بقره، عرض کردند: کدام آیه از آیات سوره بقره افضل است؟ فرمود: «آیه الکرسی». فضیلت این سوره، ظاهراً به خاطر جامعیت آن است. و افضل بودن آیه الکرسی، به خاطر محتوای

خاص توحیدی آن است که در تفسیر آیه خواهد آمد.

### ۳- متقین در آیه شریفه ۲ چگونه معرفی شده‌اند؟

واژه تقوی از واژه‌های مخصوص قرآن و آیین اسلام است. رسول اکرم ﷺ آن را جمع بین عدل و احسان معرفی کرده است. عمر بن خطاب، از کعب‌الانخبار راجع به تقوی پرسید. او در جواب گفت: آیا به راهی خاردار رفته‌ای؟ عمر گفت: آری. پرسید در این راه چه می‌کنی؟ عمر جواب داد: دامن بالا می‌زنم و با احتیاط قدم برمی‌دارم. کعب گفت: تقوی همین است.

رسول اکرم فرمودند: «به مردم پرهیزگار بدین جهت متقین گفته‌اند که آنان از انجام کاری که خود گناه نیست، ولی ممکن است سبب ارتکاب گناه گردد، خودداری می‌کنند. عمر بن عبدالعزیز گوید: همان طور که شخص محرم در احرام از انجام پاره‌ای امور خودداری می‌کند، شخص با تقوا هم خود را از انجام برخی امور بازمی‌دارد (رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۶۰).

در این آیه، تنها متقین مخصوص هدایت شده‌اند، زیرا تا وقتی که مرحله‌ای از تقوی (مرحله تسلیم در برابر حق و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است) در وجود انسان نباشد، محال است وی بتواند از هدایت کتاب‌های آسمانی و دعوت انبیا بهره گیرد.

علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: متقین عبارتند از مؤمنان؛ چون تقوا از اوصاف خاص طبقه معینی از مؤمنان نیست و این طور نیست که تقوی صفت مرتبه‌ای از مراتب ایمان باشد، و دارندگان مرتبه پایین‌تر، مؤمن بی‌تقوی باشند و در نتیجه تقوا، مانند احسان و خلوص، یکی از مقامات ایمان باشد؛ بلکه صفتی است که با تمامی مراتب ایمان جمع می‌شود؛ مگر آن‌که ایمان، ایمان واقعی نباشد (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۷۰).

بدان که متقی کسی است که خود را نگه دارد از آنچه به آخرت او ضرر رساند. حضرت علی علیه السلام فرمود متقی کسی است که اگر همه اعمال او را بر طبقی نهند و آن را بر جهانیان عرضه کنند، هیچ چیز در آن نباشد که او را از آن شرم آید. از آن‌جا که کفار از قرآن منتفع نمی‌شدند، خداوند در این آیه، هدایت را مخصوص متقیان گردانید و فرمود قرآن هدایت‌کننده پرهیزگاران است (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۶۱).

#### ۴- آیه ۳۴ سوره بقره در خصوص سجده نکردن ابلیس بر آدم چگونه

تفسیر شده است؟

مفسران در خصوص آیه ۳۴ سوره بقره و سجده نکردن ابلیس بر آدم نوشته‌اند: برخی می‌گویند ابلیس فرشته بود و استدلال می‌کنند که آیات کریمه در بیان اطاعت همه ملائکه از فرمان خدا، ابلیس را استثنا کرده و می‌فرماید: «وَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا ابْلِسَ» پس معلوم می‌شود او جزو ملائکه بوده که استثنا شده است؛ نیز خداوند او را سرزنش کرده است و این نکته حاکی از مأمور بودن اوست. در مقابل، عده‌ای می‌گویند استثناء دلیل این مسأله نمی‌شود؛ زیرا ممکن است امر خدا هم به ملائکه و هم به جمعی از جن تعلق گرفته و ابلیس مخالفت کرده باشد (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۸۸؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۱۵۲، رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۸).

انگیزه او در این مخالفت، کبر و غرور و تعصب خاصی بود که بر فکر او چیره شد؛ او گمان می‌کرد که از آدم برتر است، و نباید دستور سجده بر آدم به او داده شود و علت کفر او نیز همین بود که فرمان پروردگار را نادرست شمرد و نه تنها عملاً عصیان کرد، بلکه از نظر اعتقاد نیز معترض بود. بنابراین خودبینی و خودخواهی، محصول یک عمر عبادت او را بر باد داد.

مؤلف منهج‌الصادقین می‌گوید: سجده بر آدم، سجده تعظیم بود نه سجده عبادت. زیرا که سجده عبادت، غیر خدا را روا نیست و نیز می‌گوید ابلیس از جن بود نه از ملائکه، چه ملائکه معصومند به اتفاق.

از پیامبر خدا ﷺ مروی است که: هر کس سوره‌ای از سوره‌های سجده را بخواند و سجده کند، ابلیس از او رمیده شود، گریستن آغاز کند و گوید «وای بر من، فرزند آدم سوره عزیمه خواند و سجده کرد و مستوجب بهشت شد و من سجده نکردم و مستحق دوزخ شدم (همان، ص ۱۹۲؛ همان، ص ۱۵۳؛ همان، ص ۲۱۴).

#### ۵- منظور از شجره و درخت حرام در آیه ۳۵ سوره بقره چیست؟

در این مورد اقوال مختلفی وارد شده است.

۱- سنبله گندم (از ابن عباس).

۲- درخت انگور (از ابن مسعود).

۳- درخت انجیر (از ابن جریح).

۴- درخت کافور (از حضرت علی علیه السلام).

۵- درخت علم خیر و شر (از بکی).

۶- درختی که ملائکه از ثمره‌اش خوردند و جاودان شدند (ابن جدعان) (رازی،

بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۲؛ کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۱، ص ۱۵۴).

و آن درخت، درختی بود که خداوند خوردن از آن را برای آدم ممنوع کرد. این

نهی، نهی ارشادی بود؛ پس آدم مخالفت فرمان خدا نکرد، بلکه نهی ارشادی را مخالفت

کرد (رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۰؛ کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۱،

ص ۱۵۱).

به عبارت دیگر، به دلیل واضح و برهان قاطع ثابت شده است که انبیا از اول تا

آخر عمر معصومند، لذا این نهی به معنای ترک مندوب و ترک اولی است نه به شکلی

که از آن چاره نباشد، زیرا در آن صورت با عصمت منافات دارد (همان، ص ۲۱۴؛

همان، ص ۱۹۱؛ همان، ص ۱۵۲).

۶- فریب حضرت آدم و حوا توسط ابلیس در این سوره مبارکه چگونه

تیین شده است؟

شیطان آدم و همسرش را فریفت و به گناه واداشت. انتساب این لغزاندن به

شیطان، از آن روست که لغزش به وسوسه او انجام شد. در نتیجه، ایشان از بهشت و

مقام رفیع، رانده شدند.

مراد از شیطان، ابلیس است. می‌گویند ابلیس از نزدیک شدن به آدم ممنوع نبود؛

آدم به نزدیک در بهشت می‌آمد و ابلیس با وی سخن می‌گفت؛ یا از زمین با جملاتی

که آدم و حوا می‌فهمیدند، با ایشان صحبت می‌کرد. یعنی شیطان به‌طور مشافهه با آدم

و حوا سخن می‌گفت و آن‌ها را اغوا می‌کرد.

هنگامی که آدم و حوا مرتکب گناه شدند مصلحت تغییر کرد، نه از باب عقوبت و

کیفر، بلکه خداوند خواست که خوشی را بگیرد و آدم را گرفتار تکلیف و مشقت کند.

این قبیل امور، به خاطر آزمایش درون و مشخص شدن مقدار مقاومت و نیروی صبر

اشخاص است (کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۱، ص ۱۵۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۲؛ رازی،

بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۵).

شیطان سوگند یاد کرده بود که دست از گمراه کردن آدم و فرزندانش برندارد؛ پس

به وسوسه‌گری مشغول شد و چنان که از سایر آیات قرآن استفاده می‌شود، به آدم اطمینان داد که اگر او و همسرش از این درخت بخورند، فرشتگانی خواهند شد و جاویدان در بهشت زندگی خواهند کرد.

حتی قسم یاد کرد که من خیرخواه شما هستم. سرانجام شیطان آن دو را به لغزش واداشت و از آنچه در آن بودند بیرونشان کرد (همان‌جا). مفسران دیگر نیز آورده‌اند که چون خداوند آدم را بر سریر کرامت نشانند و جامه بزرگواری در او پوشانید و غلمان را در مقام خدمت‌گزاری او گماشت و رضوان و حوران را در پایه ملازمت او قرار داد، ابلیس بر منزلت آدم حسد برد و اندیشه کرد که به چه نوع آدم را از این منصب معزول سازد. چون خداوند آدم را از آن درخت گندم منع فرمود، فرصت یافته، در دهان مار شد و از وی خواست که مرا به آدم برسان. مار به دستگیری طاووس او را به بهشت برد. ابلیس آمد و در برابر آدم و حوا ایستاد؛ از دهان مار بیرون نیامد، بلکه به یک طرف دهان او آمده خود را به آدم و حوا نمود و گریه آغاز کرد. ایشان او را نشناختند. پرسیدند: چرا می‌گریی؟ گفت: به جهت موت شما و زوال این نعمت عظیم از شما.

گفتند: علاج این چه باشد؟ گفت: خوردن درخت خلد که موجب خلود و جاودانگی است؛ پس اشاره به درخت گندم کرد. گفتند: ما را از آن نهی کرده‌اند، چگونه بخوریم؟ گفت: این نه از آن درخت است که شما از آن منع شده‌اید. و سوگند یاد کرد که من در این امر، نیکوخواه شما هستم و از محض دوست‌خواهی، شما را به این دلالت می‌کنم. بنابراین فریب خوردند و به خوردن آن درخت مشغول شدند (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۱۵۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۲؛ رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۵)

#### ۷- مراد از عبارت «عهد» در آیه ۴۰ سوره بقره چیست؟

تفسیر «عهد» در آیه مذکور به چند وجه موجود است:

۱- پیروی از محمد ﷺ؛ ۲- عمل به تورات؛ ۳- پیمانی که از بنی‌اسرائیل گرفته شد و این، قول قتاده است که برای اثبات گفته‌اش از آیه ۱۲ سوره مائده دلیل می‌آورد: و لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ...؛ ۴- اوامر و نواهی الهی؛ ۵- یادآوری نعمت‌ها، و این قول قسوی‌تر از سایر موارد است (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۷۷؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۱۷۲؛ رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۷).

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند فرمود: «من به عهد خود وفا



خواهم کرد و شما را به بهشت خواهم برد» (همان‌جا).  
 «عهد» در اصل به معنای حفاظ است و همه معانی آن از یک معنی مشتق شده، مانند عهد به معنای میثاق و عهد به معنای وصیت، دیدار، نزول و .. (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۷۸؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۱۷۳؛ رازی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۸).  
 تفسیر طبری در معنای آیه آورده است: ای فرزندان یعقوب! یاد کنید نعمت من، وفا کنید به پیمان من تا وفا کنم به پیمان شما؛ و از من بترسید (همان‌جا).  
 وفا کنید به عهدی که من در شأن پیغمبر آخرالزمان با شما بسته‌ام و خداوند، او را در تورات، به نبی نانوایسده و ناخواننده تعریف کرده است. وفا کنید به ایمان آوردن و به وحدانیت من و تصدیق کنید محمد را، *(ووفو بعهدکم)* تا وفا کنم به عهد شما به نیکویی ثواب دادن و پاداش وفاداری کردن (همان، ص ۲۷۹؛ همان، ص ۱۷۴؛ همان، ص ۲۳۹).

#### ۸ - راه حل فائق آمدن بر مشکلات براساس آیه ۴۵ سوره بقره چه می‌باشد؟

کسانی که خطاب آیه را متوجه یهود می‌دانند، می‌گویند فریفتگی و عشق به جاه و مقام نمی‌گذاشت علمای یهود، اسلام آورند؛ زیرا می‌ترسیدند با قبول اسلام و پیروی از پیامبر اکرم ﷺ ریاست و سروری قوم خود را از دست دهند. خدا آنان را امر می‌کند که: «وفا کنید به عهدی که در تورات با شما بستم درباره اطاعت از من، ترک گناهان، تسلیم در مقابل فرمان و قبول فرستاده‌ام محمد ﷺ. در همه این امور از صبر و نماز کمک بگیرید؛ یعنی صبر بر زندگی مختصری که ناچارید برای تأمین آن از مردم پول بگیرید. از ائمه نقل شده که مراد از صبر «روزه» است؛ کمک گرفتن به واسطه روزه، از این نظر است که روزه طمع و هوای نفس را از بین می‌برد؛ همان‌طور که ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند «روزه باعث نابود کردن شهوات است».

گروهی که مسلمانان را مخاطب این آیات می‌دانند، می‌گویند منظور آیات این است که برای رسیدن به آنچه پیروان رسول را وعده داده‌ایم و نیز بر سختی‌ها و مشکلات، عمل به احکام و تکالیف، از صبر بر طاعت‌ها و بازداري نفس از گناهان، و نیز از نماز کمک بگیرید؛ چون نماز گزار با توجه به معنای آیاتی که در نماز می‌خواند، قهراً از مواعظ قرآن پند گرفته، به امر و فرمان الهی تن در می‌دهد و در نتیجه از گناهان خودداری می‌کند. وجه دیگر آن است که در میان کارهای قلبی، از صبر بالاتر و در میان کارهای بدنی، از نماز مهم‌تر نیست (رازی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۸؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱،

ص ۱۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۲۸).

برای پیشرفت و پیروزی بر مشکلات، دو رکن اساسی لازم است: یکی پایگاه نیرومند درونی و دیگری تکیه‌گاه محکم بیرونی که اشاره به صبر و صلوة دارد. صبر، آن حالت استقامت و شکیبایی در جبهه مشکلات است. نماز نیز پیوندی با خدا و وسیله ارتباطی با این تکیه‌گاه محکم است. صبر در روایات دیگر، به معنی «روزه» است، ولی باید دانست که صبر منحصر به روزه نیست، بلکه روزه، مصداق بارز و روشن صبر است (همان، ص ۲۵۹؛ همان، ص ۱۷۸؛ همان، ص ۲۲۹).

در منهج الصادقین آمده است: مراد از صبر، «روزه» است؛ یعنی بر مقاصد دنیوی و اخروی خود از روزه داشتن و نماز گزاردن یاری بگیرید، تا حق تعالی به برکت این دو رکن اعظم اسلام، شما را به مرادات و مقصودات دنیا و آخرت برساند؛ به‌درستی که استعانت از صبر و صلوات، بزرگ و دشوار و گران است (رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۰؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۱۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۳۰).

#### ۹- با تکیه بر آیه ۴۸ سوره بقره مسأله شفاعت از آن چه کسانی است؟

بر اساس این آیه خداوند می‌فرماید حذر کنید از آن روزی که در آن کسی به‌جای دیگری مجازات نمی‌بیند و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نمی‌شود و فدا و عوض قبول نمی‌گردد (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۳۳؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۲۸۰؛ رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۴).

#### ۱۰- با توجه به آیات ۴۹ و ۵۰ سوره بقره، ماجرای حرکت بنی‌اسرائیل از

مصر و نجات قوم موسی ﷺ چگونه می‌باشد؟

- از ابن عباس نقل شده است که خداوند به موسی وحی کرد که بنی‌اسرائیل را از مصر حرکت دهد. موسی ﷺ ایشان را شبانه حرکت داد؛ همراهانش ۶۲۰ هزار نفر بودند. فرعون با دیدن آن‌ها گفت: اینانند که موجب خشم ما هستند و ما همگی آماده پیکاریم (شعرا، ۵۵). قوم موسی وقتی به دریا رسیدند، متوجه نزدیکی فرعون شدند، به موسی گفتند: پیش از آن‌که تو به سوی ما بیایی در رنج بودیم و بعد از آن‌که آمدی نیز در رنجیم (اعراف، ۱۲۹) موسی گفت: شاید پروردگارتان دشمنانتان را هلاک کند و شما را در این سرزمین، جانشین آن‌ها سازد و بنگرد که چگونه عمل می‌کنید (همان‌جا).

یوشع بن نون از فرمان خدا سؤال کرد و موسی هم برایش توضیح داد. سپس با

عصا به دریا زد، دریا از هم شکافته شد و دو راه پدید آمد: برای هر سبط یک راه که از آن بروند. بنی اسرائیل ترسیدند که غرق شوند؛ خدا باد صبا را فرستاد تا راه‌ها خشک شود. در آیه ۷۷ سوره طه خطاب به موسی علیه السلام می‌فرماید: «برای آن‌ها راه خشکی از میان دریا پدید آر.» بعضی از یاران موسی گفتند: ما رفقای خود را نمی‌بینیم. موسی علیه السلام پاسخ داد: در راهند؛ ولی آن‌ها گفتند: می‌خواهیم مطمئن گردیم. پس موسی علیه السلام از طرف خدا فرمان یافت که عصا را به چپ و راست بگرداند؛ پنجره‌هایی پدید آمد که هر دسته، دسته دیگر را از آن می‌دیدند. فرعون که سوار بر اسب سیاهی بود، در حالی که از آب می‌ترسید، خود را به آب زد و یارانش هم به دنبال او رفتند. وقتی که آخرین کس از یاران موسی علیه السلام از دریا بیرون رفت و آخرین یار فرعون وارد دریا شد، دریا متلاطم گشت و همه را غرق کرد و موسی و یارانش نجات یافتند (رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۸؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۱۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۸۶). این نجات، یعنی آزادی از چنگال ستمکاران، از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا بود.

حضرت موسی علیه السلام پس از تبلیغ فراوان، ارائه معجزات گوناگون، دعوت فرعون و عدم پذیرش از سوی او چنان مأموریتی یافته بود (همان‌جا؛ همان، ص ۱۸۴؛ همان، ص ۲۸۷).

﴿ ۱۱ - در تفسیر ماجرای گوساله بنی اسرائیل مذکور در آیه ۶۸ سوره بقره،

### چند قول و تعبیر موجود است؟

۱- عیاشی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که مردی یکی از بستگانش را کشت و او را در سر راه بهترین نواده بنی اسرائیل انداخت و بعد در مقام خون‌خواهی او برآمد. جریان را به موسی اطلاع دادند و از او کمک خواستند. موسی دستور داد گاوی بیاورند. بعد از پرسش‌های مکرر از اوصاف گاو و تعیین گاو از سوی خداوند، آن را نزد جوانی یافتند؛ تقاضای خرید گاو را کردند؛ او از فروش امتناع کرد و گفت: در صورتی می‌فروشم که پوست آن را از طلا پر کنند. ماجرا به اطلاع موسی رسید. موسی دستور داد خریداری کنند.

۲- ابن عباس گوید: مقتول، پیرمرد ثروتمندی بود که پسران برادرش او را به قتل رسانده، به نزدیک در خانه برخی نواده‌های بنی اسرائیل انداختند و در مقام خون‌خواهی وی برآمدند. ایشان نزد موسی رفتند؛ موسی پرسید: چه کسی از این ماجرا آگاه است؟ گفتند: تو پیامبر خدا و داناتری. در این هنگام خداوند وحی فرستاد و امر کرد که گاوی کشته، عضوی از آن را به مقتول زنده تا وی به اذن خدا زنده شود و ماجرا را شرح دهد.

۳- قاتل پسر عموی مقتول و انگیزه کشتن تأخیر مرگ طبیعی او بود. وی از این جهت در مقام کشتن او برآمده بود تا از ارث او منتفع شود.

۴- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سبب کشتن مقتول این بود که قاتل در مقام خواستگاری دختر وی برآمده بود، ولی موافقت نمی‌دید. خواستگار دیگری که از نیکان بود، جواب مثبت شنید. پسر عموی شکست خورده را حسادت امان نداد؛ از این رو، وی پدر دختر را کشت (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۰۱؛ رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۲۱۲).

بهبانه‌جویی بنی‌اسرائیل در این داستان آشکار است. چنان‌که گذشت کسی از بنی‌اسرائیل به قتل رسید و قاتل هم مشخص نبود؛ بر سر این مسأله، نزاع و کشمکش درگرفت تا آن‌که از حضرت موسی کمک خواستند؛ حضرت فرمود: گاوی را که زرد یکدست باشد و شخم هم نزده باشد، نه پیر باشد و نه جوان، انتخاب کرده، آن را بکشید و قسمتی از گوشت آن را به مرده بزنید؛ مقتول زنده شده، قاتل را معرفی خواهد کرد. در آن میان بنی‌اسرائیل سؤالات زیادی را مطرح کردند برای مثال آن‌که پرسیدند: گاو چه رنگی باشد و .... بدین ترتیب آنچه را که در دل مخفی می‌کردند، خداوند آشکار ساخت، راز بر ملا گشت و قاتل پیدا شد (همان، ص ۳۰۲؛ همان، ص ۱۰؛ همان، ص ۲۱۳).

#### ۱۲- آیه ۱۷۸ سوره بقره درباره حکم قصاص چه می‌گوید؟

بنا به حکم قصاص در آیه ۱۷۸ سوره بقره، درباره قاتل همان عمل انجام خواهد گرفت که او درباره مقتول مرتکب شده است. اختلافی بین مفسران نیست که مراد از این آیه «قتل عمد» است. چون تنها در قتل عمد، قصاص واجب است و در قتل خطای محض و خطای شبیه به عمد، قصاص واجب نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۵۶؛ رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۹؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۳۷۸).

این آیه در مقام تعدیل زیاده‌روی‌هایی است که به روزگار جاهلی، در کیفر قتل نفس انجام می‌گرفت؛ واژه قصاص نشان می‌دهد که اولیای مقتول حق دارند در خصوص قاتل، همان را انجام دهند که او مرتکب شده است؛ ولی در دنباله آیه، مسأله مساوات را با صراحت بیشتر مطرح می‌کند و می‌گوید: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، و زن در برابر زن. این مسأله دلیل بر برتری خون مرد نسبت به زن نیست و مرد

قاتل را نیز می‌توان در برابر زن مقتول قصاص کرد (همان‌جا).

حکم قصاص مخصوص جامعه مسلمانان است و کفاری که در کشورهای اسلامی به عنوان اهل ذمه زندگی می‌کنند و غیر آنان از کفار، مشمول آیه نیستند و آیه درباره کار آنها ساکت است (همان‌جا).

مروی است که پیش از اسلام، چون میان دو قبیله حرب افتادی، آن قبیله که عالی‌نسب بود از قبیله دیگر که نسب ایشان پست بود، به عوض بنده‌ای، آزادی بگشت. و بدل زنی مردی، و به عوض مردی دو مرد. بعد از هجرت این صورت را به عرض پیغمبر رسانیدند تا آن‌که حکم ثانی نازل شد که در قتل، قصاص باید؛ یعنی مساوات نه زیادت. آزادی به آزادی و بنده‌ای به بنده‌ای و زنی به زنی. مراد از «هر کس که چیزی از عفو برادرش به او رسد» آن است که اگر ولی خون از قصاص قاتل بگذرد و به دیه راضی شود، بعد از عفو، بر قاتل است که در پی نیکی رود و آن، دیه است (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۵۷؛ رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۰؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۳۷۹).

۱۳- مفسران درباره زمان روزه و مفهوم «حتی یتبین لکم الخیط الأبيض» در آیه ۱۸۷ سوره بقره، چه نظری ایراد فرموده‌اند؟

برخی گویند: اول روز، همان طلوع فجر دوم است. و بعضی گویند: سفیدی صبح از تاریکی شب واضح گردد و بعضی گویند سفیدی اول روز از سیاهی آخر شب روشن شود. و دلیل این‌که ظهور صبح به این نحو به نخ تشبیه شده است، آن است که ملاک در حرمت افطار و وجوب روزه، پخش شدن سفیدی نیست؛ بلکه ملاک پیدا شدن خط روشنائی است به اندازه نخ از میان سیاهی شب که در نظر به اندازه نخ اگر پیدا شود، در زمان حرمت غذا خوردن، همین کافی است (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۴؛ رازی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۴۰۲).

روزه را تا شب تکمیل کنید. این جمله تأکیدی است بر ممنوع بودن خوردن، نوشیدن و آمیزش جنسی در روزها برای روزه‌داران، و نیز نشان‌دهنده آغاز و انجام روزه است، که از طلوع فجر شروع و به شب ختم می‌شود (همان، ص ۶۵؛ همان، ص ۵۰؛ همان، ص ۴۰۳).

حق تعالی فرمود: بخورید و بیاشامید در شب‌های رمضان تا وقتی که روشن شود شما را رشته سفید - کنایه از روشنائی روز - از رشته سیاه - اشاره به تاریکی شب دارد.

حاتم گفت که پیغمبر نماز و روزه را تعلیم من کرد و در باب روزه فرمود که چون آفتاب فرو رود و حمزه مشرق زایل گردد، روزه بگشای؛ در آن هنگام، طعام و شراب بر تو حلال است تا رشته سیاه ممتاز شود. من در شب برخاستم و دو ریسمان در پیش خود نهادم یکی سفید و دیگری سیاه. و در وی می‌نگریستم گاهی بر من مشتبه می‌شد و گاهی نمایان می‌گشت. من بیامدم و رسول را خبر دادم. تبسم فرمود و گفت: نمی‌دانی که مراد از سفیدی، صبح و مراد از سیاهی، شب است؟ (همان، ص ۴۰۳؛ همان، ص ۶۶؛ همان، ص ۵۰). در تفسیر طبری آمده است که: در اول اسلام، روزه داشتن چنان بود که چون [وقت] نماز شام بود، روزه می‌گشودند و طعام می‌خوردند و چون شفق فرو می‌شد، طعام خوردن حرام می‌گردید تا روز دیگر در زمان نماز شام. و جهودان و ترسایان را قاعده این چنین بود و امروز ایشان را همین‌گونه است؛ اما پس از ماجرای عمر خطاب، جبرئیل برسد و این آیت بیاورد. پس از آن، مجامعت کردن در شب‌های رمضان حلال گشت و طعام خوردن و شراب خوردن حلال شد در همه شب، تا آن وقت که فجر برآید و طعام خوردن در سحرگاه سنت گشت تا به خلاف جهودان و ترسایان باشد (کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۱، ص ۴۰۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۷؛ رازی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۱).

#### ۱۴- با التفات به تفسیر «خمر» در آیه ۲۱۹ سوره بقره چه نکاتی موجود است؟

۱- حسن می‌گوید: این آیه از دو نظر بر حرمت شرب خمر دلالت دارد. اول آن که می‌فرماید: ضرر شراب و قمار زیادتر از نفع آن‌هاست و اگر ضرر چیزی زیادتر از نفع آن باشد، عقل بر حرمت و ممنوعیت آن حکم می‌کند. دوم: در شراب و قمار «اثم» و گناه است و در آیه دیگری اثم را حرام نموده است (آیه ۳۱ سوره اعراف) در لغت، اساساً خمر را «اثم» گویند. اثم را با عنوان «کبیر» توصیف کرده است و بدون خلاف منظور گناه بزرگ است.

۲- ضحاک گوید: مراد از این آیه آن است که گناه شراب و قمار بعد از تحریم از نفع آن بزرگتر است و آیه در مقام تحریم آن نیست.

۳- به عقیده سعید بن جبیر حکم زیادتر بودن گناه شراب و قمار جلوتر از بیان حکم حرمت آن‌هاست.

۴- قتاده گوید: حکم حرمت شراب و قمار از آیه استفاده نمی‌شود؛ ولی آیه‌ای که

در سوره مائده می‌فرماید: «**إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ...**» حرمت شراب و قمار را می‌رساند (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۴۷۰؛ رازی، بی تا ج ۳، ص ۲۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۸۸). همچنین آمده است که خمر به معنی پوشش است و هر چیزی که چیز دیگری را بپوشاند و مخفی کند خمار گویند و در اصطلاح شرع به هر مایع مسکر (مست‌کننده) خمر گفته می‌شود؛ خواه از انگور گرفته شده باشد یا از کشمش، انگور و خرما؛ اصولاً هر نوع مشروب الکلی خمر است. این مایعات به جهت ایجاد مستی روی عقل انسان پرده‌ای می‌افکنند و مانع از تمییز خوب و بد می‌شوند (همان، ص ۴۷۱؛ همان، ص ۲۰۴؛ همان، ص ۲۸۹).

درباره خمر که زایل‌کننده عقل، و قمار که سبب ربودن مال است، حق تعالی می‌فرماید: در این هر دو گناهی بزرگ است و مردمان را منفعت‌هاست. اما گناه خمر و قمار بیشتر است از نفع آن‌ها، یعنی فسادی که از آن‌ها ناشی می‌گردد، اعظم است از نفعی که از آن متوقع است و لهذا هر دو در شرع حرام شده‌اند (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۱، ص ۴۷۱؛ رازی، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۸۹).

#### ۱۵- در تفسیر آیه ۲۵۱ سوره بقره، حکم قتال و دفاع چه وجوهی دارد؟

سه وجه وجود دارد:

۱- اگر خدا شر کفر را به دست سپاه اسلام دفع و رد نمی‌کرد، کافران غالب شده و شهرها را خراب می‌کردند (ابن عباس و مجاهد).

۲- خدا به برکت مردان خوب، از مردم گناهکار دفع بلا و هلاک می‌کند (از علمی، قتاده و جمعی دیگر).

۳- اگر جلوگیری مردم به وسیله خودشان نباشد، زمین فاسد می‌شود؛ یعنی خود مردم، بعضی جلو فساد بعض دیگر را می‌گیرند، مثلاً مردمی که سلطان جلو فساد و جنایت آنان را می‌گیرد، از ترس قدرت سلطان مرتکب جرم و جنایت نمی‌شوند؛ عده اینان به مراتب بیشتر از آن‌هایی است که به خاطر وعد و وعید قرآن و خدا، از گناه و ارتکاب جرم دست برمی‌دارند (طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۴۴؛ رازی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۶؛ کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۲، ص ۷۰).

اگر خداوند گاه‌گاه ستمگران و ظالمان را به وسیله جمعی از افراد با ایمان و با استقامت در هم نکوبد، ممکن است قدرت اهریمنی آن‌ها چنان شود که تمام روی

زمین را فرا گیرند، و فساد همه جا را پر کند؛ سنت پروردگار چنین است که اصل آزادی، اراده و اختیار در این جهان حکومت کند و مردم در انتخاب راه خیر و شر آزاد باشند، اما هنگامی که طغیان ستمگران، جهان را در معرض فساد عمومی قرار دهد، خداوند بزرگان خود را یاری می‌کند تا جلو طغیان را بگیرند و این یکی از الطاف پروردگار بر بندگان است (همان، ص ۴۴۵؛ همان، ص ۳۷۷؛ همان، ص ۷۱).

#### ۱۶- ماجرای عزیر در آیه ۲۵۹ سوره بقره چیست؟

شخصی به نام عزیر از دهکده‌ای خالی و متروک می‌گذشت؛ با خود گفت: خداوند چگونه مردم این ده را بعد از نابودی، بار دیگر زنده می‌کند؟ او دوست داشت خدا زنده کردن مردگان را به او نشان دهد تا به یقین برسد. خداوند صد سال او را میراند. بعد زنده کرد. گفت چند سال بودی؟ در تعیین گوینده اقوالی است: ندایی از آسمان، پیامبری، فرشته‌ای، پیرمردی پاسخ داد: یک روز یا بعضی روز. در همین اثنا دید کمی از روز مانده و خورشید غروب نکرده است. لذا گفت: مقداری از روز. خداوند فرمود: نگاه کن به خوراکی و نوشیدنی خود که ترک کرده‌ای؛ هیچ تغییری نکرده است. توشه او، اعصاره انجیر و انگور بود که هر سه در مدت کم تغییر پذیرند؛ دید که تازه‌اند. خداوند فرمود به الاغت نگاه کن که چگونه استخوان‌هایش پخش شده است. بین خدا چگونه زنده‌اش می‌کند. علت این که این وضع را پیش آورد، آن بود که عزیر بدانند مدت درازی مرده بوده است. خدا می‌فرماید: «این‌ها برای آن بود که مسأله معاد برایت روشن شود.» وقتی به وطنش بازگشت، دید همه چیز دگرگون و نوه‌هایش پیر شده‌اند.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که عزیر وقتی از عائله‌اش خارج شد، همسرش آبستن و خودش در سن پنجاه سالگی بود.

خدا او را صد سال میراند و زنده کرد. حالا فرزندش صد ساله شده بود و از او پنجاه سال بزرگ‌تر بود! این از آیات خدا بود.

گویند وقتی عزیر بازگشت، دید بخت النصر نسخه‌های تورات را سوزانده است. پس بار دیگر مطالب تورات را گفت تا نوشتند (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۲، ص ۱۰۴؛ رازی، بی تا، ج ۴، ص ۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۴۸).

این آیه درباره توحید است و نمونه‌های حسی و جسمانی معاد را مجسم می‌سازد (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۲ ص ۱۰۴؛ رازی، بی تا، ج ۴ ص ۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲ ص ۵۴۸).



گفته‌اند: مراد از «قریه» بیت‌المقدس است که بخت النصر آن را خراب کرده بود.

﴿ ۱۷ - در مورد زنده کردن مردگان چه روایات و اقوالی موجود است؟ ﴾

۱- حسن، ضحاک و قتاده گویند: سبب این بود که ابراهیم علیه السلام مرداری را دید که درندگان آن را پاره‌پاره می‌کردند و حیوانات آن را می‌خوردند. گفت: خدایا می‌دانم که تو همه آنها را جمع خواهی کرد ولی چگونگی آن را به من نشان بده. از امام صادق علیه السلام همچنین روایت شده است.

۲- از ابن عباس، سعید بن جبیر و سلمی روایت شده که فرشته‌ای به ابراهیم علیه السلام بشارت داده بود که خداوند تو را به عنوان خلیل خود برگزیده است؛ دعای تو را مستجاب می‌گرداند و مرده را به دعای تو زنده می‌کند.

۳- در احتجاج ابراهیم علیه السلام با نمرود می‌گویند که چون نمرود گفت: «من زنده می‌کنم و می‌میرانم» (محبوسان را آزاد و مجرمان را نابود می‌کنم). ابراهیم علیه السلام گفت: این زنده کردن نیست؛ و از خدا خواست که: خدایا! نشان بده که چگونه مرده زنده می‌کنی تا نمرود بداند.

۴- او دوست داشت این مطلب را از راه عیان و شهود ببیند. این وجه اقوی است. خداوند گفت: چهار مرغ از انواع مختلف بگیر. مرغ را مطرح می‌کند، چون می‌تواند پرواز کند؛ طاووس، کبوتر، خروس و کلاغ. پیامبر خدا فرمان یافت تا آنها را پاره پاره کند و پر آنها را با خونشان مخلوط سازد. این، قول ابن جریج و عطاء بن زیاد است و از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که معنای آیه این است که آنها را بر هر کوهی تقسیم کن و ده کوه در آنجا بود. پس بگیر از منقارهای آنها و صدا بزن آنها را با اسم بزرگ من و قسم بده به جبروت و عظمت من تا شتابان و دوان پیش تو آیند. پس ابراهیم علیه السلام چنین کرد و آنها را بر ده کوه قرار داد؛ پس آنها را فرا خواند و گفت: به اذن خدا پاسخ دهید پس گوشت هر کدام با استخوان‌هایش مجتمع و به هم ترکیب شد و به سوی ابراهیم علیه السلام پرواز کرد (کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۲، ص ۱۱۳؛ رازی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۶۱).

﴿ ۱۸ - مفسران درباره تفسیر انفاق در آیه ۲۶۱ سوره بقره چه گفته‌اند؟ ﴾

تقدیر آیه این است که مثل صدقاتی که در راه خدا داده می‌شود، مانند دانه‌ای است و مثل کسانی که انفاق می‌کنند، مانند زارع دانه‌ای است... و منظور از سبیل اللّه،

جهاد و دیگر کارهای خیر است؛ یعنی سبیل الله شامل همه وجود خیر است؛ این مطلب از امام صادق علیه السلام روایت شده و ابو علی جبایی هم آن را اختیار کرده است؛ ولی بعضی آن را مخصوص انفاق در جهاد دانسته‌اند. در انفاق‌ها و طاعت‌های دیگر در برابر هر عمل فقط ده برابر، پاداش داده می‌شود (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۲، ص ۱۱۴؛ رازی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۶۲).

در تفاسیر نکته ظریفی درباره این آیه آمده است؛ کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند، به دانه پر برکتی که در زمین مستعدی افشاندن شود، تشبیه گردیده‌اند؛ در حالی که بر حسب ظاهر، اشخاص نباید به دانه تشبیه شوند، بلکه انفاق آن‌ها باید به دانه تشبیه شود و یا خود آن‌ها را به کشاورزی که دانه می‌افشاند، تشبیه کند. این تشبیه، تشبیه بسیار دقیق و عمیقی است. قرآن می‌خواهد بگوید عمل هر انسانی پرتوی از وجود اوست؛ هر قدر عمل توسعه پیدا کند؛ وجود آن انسان در حقیقت توسعه یافته است؛ مگر نه این که اعمال انسان تغییر شکلی از قوا و مواد جسمی اوست (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۲، ص ۱۱۴؛ رازی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۶۲).

آورده‌اند که حضرت امیر علیه السلام بر در مسجد نشسته بود، اعرابی ای بر ناقه نشسته، نزد او آمد و کیسه بزرگی به او داده، گفت این را بستان که از آن توست، و ناپدید شد. آن حضرت کیسه را برداشته، به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برد و سر آن را بگشاد؛ هفتصد دینار زر سرخ یافت. پیامبر فرمود: یا علی! آن اعرابی را شناختی؟ گفت: الله و رسوله اعلم. رسول فرمود که او جبرئیل بود. خدای او را امر کرد تا گنجی از گنج‌های زمین برداشته، به تو دهد در عوض آن یک دینار که تو روز قبل به مقدار دادی. و در آخرت به عوض آن، چندان نعمت به تو دهد که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد و در خاطر هیچ کس نگذشته باشد. حضرت امیر علیه السلام فرمود: «صدق الله حیث قال مثل الذین ینفقون...» پس از آنجا دیناری به عبدالله عوف داد و باقی بر اهل بیت و فقرای مهاجر و انصار نفقه کرد (کاشانی، ۱۴۰۲هـ ج ۲، ص ۱۱۵؛ رازی، بی تا، ج ۴، ص ۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۶۳).

۱۹- درباره مسأله ربا در آیه ۲۷۸ سوره بقره چه تفاسیری وجود دارد؟

۱- از امام باقر علیه السلام نقل شده است که ولید بن مغیره در زمان جاهلیت ربا می‌گرفت و هنوز مقداری از طایفه تعیف طلب داشت؛ خالد بن ولید بعد از آن که اسلام آورد،

خواست آن‌ها را مطالبه کند؛ این آیه نازل شد.

۲- سدی و عکرمه گفته‌اند: این آیه در مورد عباس و خالد بن ولید نازل شد که باهم شریک بودند و در زمان جاهلیت، مبلغی بابت ربا از طایفه ثقیف طلب داشتند. وقتی اسلام آمد، اموال زیادی از راه ربا به دست آورده بودند؛ آیه نازل شد و پیامبر ﷺ فرمود: هر ربایی که در جاهلیت بوده است، در اسلام لغو شد؛ اولین ربایی که آن را لغو می‌کنم، ربای عباس بن عبدالمطلب است و اولین خونی که آن را لغو می‌کنم، خون ربیعه بن حارث بن عبدالمطلب است که در بنی لیث تیر خورده بود و قبيله هذیل او را به قتل رسانیده بودند.

۳- مقاتل می‌گوید: این آیه درباره چهار برادر از ثقیف به نام مسعود، عبدیا لیل، حبیب و ربیعه که از فرزندان ابو عمر بودند، نازل شده است؛ آنان قرض‌هایی به بنی مغیره می‌دادند و در برابر آن ربا می‌گرفتند؛ وقتی که رسول اکرم ﷺ به پیغمبری مبعوث گشت و به طائف رفته، با ثقیف مصالحه کرد، این چهار برادر اسلام آوردند و سپس ربای خود را از بنی مغیره مطالبه کردند؛ چون آن‌ها از دادن ربا خودداری کردند، نزاع کرده، نزد نماینده رسول اکرم ﷺ به نام عتاب بن آسیبه در مکه آمدند، او نیز جریان را به پیامبر ﷺ نوشت؛ بعد این آیه نازل گشت و آنان را از گرفتن ربا منع کرد (کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۲، ص ۱۴۲؛ رازی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۴۷).

در این آیه، نخست خداوند افراد با ایمان را مخاطب قرار می‌دهد و پس از آن دستور تقوی و پرهیزگاری به آن‌ها توصیه می‌کند که اگر ایمان دارند باید باقی مانده‌های مطالبات ربوی را به دست فراموشی سپارند. جالب توجه این است که آیه با ایمان به خدا شروع شده، با ایمان به خدا هم ختم می‌شود و این حقیقت را به وضوح می‌رساند که رباخواری با روح ایمان سازگار نیست (کاشانی، ۱۴۰۲ هـ ج ۲، ص ۱۴۳؛ رازی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۹؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۴۸).

۲۰- آیه ۲۸۲ سوره بقره در باب معاملات و احکام قرض چه نکاتی را بیان

نموده است؟

حکم در تمام دیون سلمی و غیر سلمی است. چنان‌که مفسران و فقها همین مطلب را گفته‌اند: «فاکتبوه»؛ پس آن قرض را در سندی بنویسید تا مورد اشتباه و انکار قرار نگیرد و پشتوانه قرض باشد. این نوشتن به نفع طلبکار و بدهکار است. به نفع طلبکار